

بررسی تطابق مالیاتی و نقش ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت در ایجاد نظام مالیاتی هوشمند و اثربخش

حبیب الله نخعی^۱

احسان میرزاییان نوخندان^{۲*}

احسان صادقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تطابق مالیاتی و ارتباط آن با ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت در ایجاد یک نظام مالیاتی هوشمند و اثربخش پرداخت. تطابق مالیاتی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در عملکرد سیستم مالیاتی، تحت تأثیر دو مولفه مهم یعنی ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت قرار دارد. سیستم‌های مالیاتی هوشمند می‌توانند با استفاده از فناوری‌های نوین، میزان تطابق مالیاتی را افزایش داده و از این طریق به افزایش عدالت مالیاتی و تقویت اعتماد عمومی به دولت کمک کنند. در این مقاله، مدل‌های مختلف تطابق مالیاتی و ارتباط آن با عدالت اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، اثرات مثبت و منفی اعتماد به دولت در پیاده‌سازی این سیستم‌ها و چالش‌های موجود در مسیر تحقق این اهداف مورد بحث قرار خواهد گرفت. هدف این مقاله ارائه چارچوبی برای سیاست‌گذاران و طراحان سیستم‌های مالیاتی به منظور طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های مالیاتی هوشمند و عدالت‌محور است.

واژگان کلیدی

تطابق مالیاتی، عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت، نظام مالیاتی هوشمند.

^۱ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده حسابداری، دانشگاه آزاد بیرجند، بیرجند، ایران. (h.nakhaei48@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد قائنات، دانشگاه آزاد اسلامی، قائنات، ایران.
(emirzaneyan1985@gmail.com)

^۳ مربی گروه حسابداری، گروه حسابداری، واحد قائنات، دانشگاه آزاد اسلامی، قائنات، ایران. (sehsan73@yahoo.com)

مقدمه

مالیات، یکی از اجزای ارائه‌دهنده رفاه اجتماعی، برای مصرف در تأمین مالی هزینه‌های عمومی جمع‌آوری می‌شود. مالیات‌ها توسط دولت و مطابق قوانین مصرف در خدمات عمومی به شیوه داوطلبانه و اجباری از اشخاص حقیقی و حقوقی جمع‌آوری می‌شوند. این وضعیت سبب کاهش درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شود. بنا به این دلیل، در حالی که برخی از مالیات‌دهندگان مسئولیت‌های خود را طبق آگاهی شهروندی خود انجام می‌دهند، برخی از آنها مسئولیت‌های خود را انجام نمی‌دهند. انجام مسئولیت‌های مالیاتی مالیات‌دهندگان، تطابق مالیاتی نامیده می‌شود (گوزل^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). تطابق مالیاتی^۲ معمولاً به معنای گزارشگری صحیح مالیات یعنی محاسبه صحیح بدهی (صحت و دقت)، پر کردن به موقع اظهارنامه و پرداخت به موقع مبالغ بدهی یعنی به موقع بودن است. تطابق مالیاتی در رابطه با مالیات بر درآمد به صورت نسبتی از درآمد اعلام شده به درآمد واقعی تعریف گردید (توهومنا^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). عدم تطابق مالیاتی یا فرار مالیاتی از سوی دیگر زمانی رخ می‌دهد که مالیات‌دهندگان عمداً از انجام تعهدات مالیاتی شان سرباز زنند که منجر به از دست رفتن درآمد می‌شود که ممکن است باعث آسیب جدی به عملکرد مطلوب بخش عمومی و دولتی شود. از منظرهای مختلفی شامل هنجارهای غالب اجتماعی و اخلاقی، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، انگیزه‌های اخلاقی و جامعه‌شناسی، نرخ‌های حسابرسی و جرایم می‌توان به عدم تطابق مالیاتی پرداخت. اکثر تجزیه و تحلیل‌ها از عدم تطابق بر نحوه عدم تطابق یا فرار مالیاتی که از طریق کشف و مجازات مانع آنها می‌شوند، تمرکز کرده‌اند، که این رویکرد نمی‌تواند به صورت مطلوبی عدم تطابق میان مالیات‌دهندگان را توضیح دهد (تانی و ال-حسینی^۴، ۲۰۱۹). میزان اعتماد به دولت و قانون‌جلوه‌ای از انتظارات مؤدیان مالیاتی از مسئولان در اجرای دولت و نظام حقوقی برای انطباق با هنجارها و ارزش‌های لازم‌الاجرا است. بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، ملاحظات مالیات‌دهندگان در مورد اقدامات، باید بر اساس تفکر عقلانی انجام شود. تلقی مؤدیان از دولت و قانون یکی از مواردی است که می‌تواند بر تصمیمات مالیاتی در رابطه با تمکین مؤدیان مالیاتی در انجام تعهدات مالیاتی خود تأثیر بگذارد. تحقیقات به این نتیجه رسید که سطح اعتماد بر رفتار مالیات‌دهندگان مرتبط با رعایت مالیات در دولت و قانون تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، زمانی که مالیات‌دهندگان به دولت و قانون اعتماد کنند، مؤدیان نیز بر این باور خواهند بود که سهمی که به دولت داده می‌شود به نحو مناسبی برای نیازهای دولت استفاده می‌شود تا مؤدیان در انجام تعهدات مالیاتی خود مطیع باشند و این امر می‌تواند افزایش یابد (ویدوری و اراون^۵، ۲۰۱۹).

با وجود این تحقیقات، تحقیقات کمی در جهت مطالعه متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت به عنوان یکی از عوامل غیر اقتصادی تأثیرگذار بر تطابق مالیاتی انجام شده است. این چارچوب فرض می‌کند که تطابق مالیاتی تحت تأثیر اعتماد به دولت است (گوبنا^۶ و ون دیک، ۲۰۱۶). تأثیر مستقیم اعتماد به دولت بر تطابق مالیاتی توسط محققان قبلی مورد بررسی قرار گرفته است (گوبنا و ون دیک، ۲۰۱۶) که البته تمامی مولفه‌های اعتماد به دولت بر تطابق مالیاتی را مورد مطالعه قرار نداده است. اگر چه اکثر نظریه‌ها و تحقیقات موجود در ادبیات (کوگلر^۷ و همکاران، ۲۰۱۳) بر اعتماد به عنوان

1 Güzel

2 Tax compliance

3 Tuhumena

4 Tanny & Al-Hossienie

5 Widuri & Irawan

6 Gobena

7 Kogler

نتیجه‌ای از عدالت متمرکز بوده‌اند، مطالعاتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهند اعتماد، متغیر مهم ادراک عدالت است (جیمز و آیر^۸، ۲۰۱۶). در این میان، اعتماد به دولت نیز به‌عنوان عاملی مؤثر در افزایش پایبندی مالیاتی، می‌تواند موجب کاهش فرار مالیاتی و افزایش تمایل به پرداخت مالیات شود. بنابراین، بررسی ارتباط میان ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت، به‌عنوان پیش‌نیازهای ایجاد یک نظام مالیاتی هوشمند و اثربخش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در سال‌های اخیر، توسعه فناوری‌های دیجیتال و بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند در فرآیندهای مالیاتی، زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام مالیاتی هوشمند شده است. چنین سیستمی با تکیه بر تحلیل داده‌ها، شفافیت اطلاعات، و بهینه‌سازی فرآیندها، می‌تواند موجب افزایش اعتماد مؤدیان و کاهش هزینه‌های اجرایی نظام مالیاتی گردد. با این حال، میزان پذیرش و موفقیت این نظام، تا حد زیادی وابسته به نگرش و رفتار مالیاتی شهروندان است. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی تطابق مالیاتی و نقش ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت در تحقق یک نظام مالیاتی هوشمند و اثربخش می‌پردازد تا راهکارهایی برای بهبود عملکرد مالیاتی ارائه دهد.

تطابق مالیاتی

تطابق مالیاتی به این معناست که مودیان مالیاتی کل درآمد خود را اعلام می‌کنند و تمام مالیات را با به انجام رساندن تعهدات قانونی^۹ شان پرداخت می‌کنند (آلم^{۱۰}، ۱۹۹۱). مصطفی^{۱۱} (۲۰۱۰) تطابق مالیاتی را با عنوان آماده سازی مودیان و گزارشگری اظهارنامه مالیاتی شان به موقع و به صورت دقیق مطابق با مقررات قانونی توصیف می‌کند. به ساده ترین شکل، تطابق مالیاتی سطح تطابق مالیات با قوانین مالیات است (جیمز و آلی^{۱۲}، ۲۰۰۲). تطابق مالیاتی را می‌توان به صورت میزانی تعریف کرد یک مالیات دهنده قوانین مالیاتی کشورش را رعایت می‌کند یا در رعایت آنها با شکست مواجه می‌شود (مارزیانا^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۰). هدف یک مدیریت مالیات، پرورش تطابق مالیاتی داوطلبانه با استفاده از کلیه روش‌ها شامل جرایم می‌شود. در داخل ادبیات تطابق مالیاتی، ادراک مالیات‌دهندگان در مورد منصفانه بودن سیستم مالیات به عنوان یک عامل مهم شناخته می‌شوند که تاثیر قابل توجهی بر رفتار تطابق دارد. شهروندانی سیستم مالیات را غیرمنصفانه می‌دانند که احتمالاً کمتر موفق بوده‌اند و این مالیات‌دهندگان را به اقدام به یک رفتار عدم تطابق تشویق می‌کند. ادراکات مالیات‌دهندگان ارتباط نزدیکی با دانش و تجربه دارد، بنابراین آگاهی در مورد مسائل مالیاتی و دانش مالیاتی بر میزان تطابق مالیاتی تاثیر می‌گذارد. دو رویکرد پایه‌ای در ادبیات وجود دارد که بر تطابق مالیاتی تاثیر می‌گذارند. یکی از این دو رویکرد، رویکرد اقتصادی توسعه یافته توسط آلینگهام و ساندمو^{۱۴} (۱۹۷۲) می‌باشد. این رویکرد مدل الینگهام ساندمو^{۱۴}، مدل بازدارندگی^{۱۵}، نظریه انتخاب عقلانی^{۱۶} یا نظریه مطلوبیت انتظاری^{۱۷} نیز نامیده می‌شود. دومین رویکرد، رویکرد رفتاری است که نظریه عواطف اخلاقی^{۱۸} نیز نامیده می‌شود. در رویکرد اقتصادی، مودیان

8 Jimenez & Iyer

9 Legal obligation

10 Alm

11 Mustapha

12 James and Alley

13 Marziana

14 Elingham and Sandmo model

15 The Deterrence Model

16 The Rational Choice Theory

17 The Expected Utility Theory

18 Moral sentiments theory

مالیاتی تمایل به فرار مالیاتی ۱۹ و اجتناب از مالیات ۲۰ دارند. وقتی مودیان مالیات شرایط فرار مالیاتی یا اجتناب از مالیات را قرار می‌دهند کاملاً تعهدات خود را به موقع و به طور کامل انجام نمی‌دهند. اگر زیان قابل قبول مالیاتی و فرار مالیاتی در نتیجه‌ی بازرسی‌ها و حسابرسی‌ها و مالیاتی که در زمانی که درآمد را به طور کامل اعلام می‌کنند پرداخت خواهند کرد شناسایی شوند مودیان مالیاتی بین جریمه‌های بی‌نظمی و زیان قابل قبول مالیاتی که خواهند پرداخت مقایسه خواهند کرد. اگر میزان جریمه که مودیان مالیاتی در زمانی که فرار مالیاتی و زیان قابل قبول مالیات شناسایی شود بیش از مالیاتی باشد که او درآمد کامل خود را اعلام کرده است، او درآمد خود را اعلام خواهد کرد؛ در غیر اینصورت، او درآمد خود را اعلام نخواهد کرد. به طور خلاصه، رویکرد اقتصادی پیشنهاد می‌کند که رفتار مودیان تحت تاثیر متغیرها در کیفیت مالی است (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹).

تطابق مالیاتی

تطابق مالیاتی به این معناست که مودیان مالیاتی کل درآمد خود را اعلام می‌کنند و تمام مالیات را با به انجام رساندن تعهدات قانونی^{۲۱} شان پرداخت می‌کنند (آلم^{۲۲}، ۱۹۹۱). مصطفی^{۲۳} (۲۰۱۰) تطابق مالیاتی را با عنوان آماده سازی مودیان و گزارشگری اظهارنامه مالیاتی شان به موقع و به صورت دقیق مطابق با مقررات قانونی توصیف می‌کند. به ساده ترین شکل، تطابق مالیاتی سطح تطابق مالیات با قوانین مالیات است (جیمز و الی^{۲۴}، ۲۰۰۲). تطابق مالیاتی را می‌توان به صورت میزانی تعریف کرد یک مالیات دهنده قوانین مالیاتی کشورش را رعایت می‌کند یا در رعایت آنها با شکست مواجه می‌شود (مارزیانا^{۲۵} و همکاران، ۲۰۱۰). هدف یک مدیریت مالیات، پرورش تطابق مالیاتی داوطلبانه با استفاده از کلیه روش ها شامل جرایم می‌شود. در داخل ادبیات تطابق مالیاتی، ادارک مالیات دهندگان در مورد منصفانه بودن سیستم مالیات به عنوان یک عامل مهم شناخته می‌شوند که تاثیر قابل توجهی بر رفتار تطابق دارد. شهروندانی سیستم مالیات را غیرمنصفانه می‌دانند که احتمالاً کمتر موفق بوده اند و این مالیات دهندگان را به اقدام به یک رفتار عدم تطابق تشویق می‌کند. ادراکات مالیات دهندگان ارتباط نزدیکی با دانش و تجربه دارد، بنابراین آگاهی در مورد مسائل مالیاتی و دانش مالیاتی بر میزان تطابق مالیاتی تاثیر می‌گذارد. دو رویکرد پایه ای در ادبیات وجود دارد که بر تطابق مالیاتی تاثیر می‌گذارند. یکی از این دو رویکرد، رویکرد اقتصادی توسعه یافته توسط آلینگهام و ساندمو (۱۹۷۲) می‌باشد. این رویکرد مدل الینگهام ساندمو^{۲۶}، مدل بازدارندگی^{۲۷}، نظریه انتخاب عقلانی^{۲۸} یا نظریه مطلوبیت انتظاری^{۲۹} نیز نامیده می‌شود. دومین رویکرد، رویکرد رفتاری است که نظریه عواطف اخلاقی^{۳۰} نیز نامیده می‌شود. در رویکرد اقتصادی، مودیان مالیاتی تمایل به فرار مالیاتی^{۳۱} و اجتناب از مالیات^{۳۲} دارند. وقتی مودیان مالیات شرایط فرار مالیاتی یا اجتناب از مالیات را قرار می‌دهند کاملاً

19 Tax evasion

20 Tax avoidance

21 Legal obligation

22 Alm

23 Mustapha

24 James and Alley

25 Marziana

26 Elingham and Sandmo model

27 The Deterrence Model

28 The Rational Choice Theory

29 The Expected Utility Theory

30 Moral sentiments theory

31 Tax evasion

32 Tax avoidance

تعهدات خود را به موقع و به طور کامل انجام نمی دهند. اگر زیان قابل قبول مالیاتی و فرار مالیاتی در نتیجه ی بازرسی ها و حسابرسی ها و مالیاتی که در زمانی که درآمد را به طور کامل اعلام می کنند پرداخت خواهند کرد شناسایی شوند مودیان مالیاتی بین جریمه های بی نظمی و زیان قابل قبول مالیاتی که خواهند پرداخت مقایسه خواهند کرد. اگر میزان جریمه که مودیان مالیاتی در زمانی که فرار مالیاتی و زیان قابل قبول مالیات شناسایی شود بیش از مالیاتی باشد که او درآمد کامل خود را اعلام کرده است، او درآمد خود را اعلام خواهد کرد؛ در غیر اینصورت، او درآمد خود را اعلام نخواهد کرد. به طور خلاصه، رویکرد اقتصادی پیشنهاد می کند که رفتار مودیان تحت تاثیر متغیرها در کیفیت مالی است (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹).

ادراک عدالت مالیاتی

آندریونی^{۳۳} و همکاران (۱۹۹۸) نشان می دهند که یکی از مهم ترین عوامل روان شناختی مرتبط با تطابق مالیاتی، عدالت مالیاتی است. مالیات دهندگان فکر می کنند که سیستم مالیاتی ناعادلانه است، زیرا نمی تواند به میزان مالیات، خدمات را ارایه دهد. افزایش خدمات عمومی تأثیری بر تصور مالیات دهندگان از عدالت در نظام مالیاتی دارد. یک سیستم مالیاتی عادلانه که توسط دولت اجرا می شود، رضایت مالیاتی مالیات دهندگان را افزایش می دهد. عدالت، ادراک است (روبن و ویندن^{۳۴}، ۲۰۱۰)، هر گونه افزایش در ادراک عدالت منجر به افزایش در پیاده سازی مالیاتی می شود. مهم این است که چگونه مالیات دهندگان نظام مالیاتی را درک می کنند، یک نظام مالی منصفانه می تواند مورد توافق مالیات دهنده باشد. درک مالیات دهندگان از عدالت در مورد قوانین مالیاتی، استراتژی و سیاست مالیاتی دولت را تعیین می کند. اگر مالیات دهندگان درک کنند که سیستم مالیات غیرمنصفانه است، تمایل دارند از پرداخت مالیات اجتناب کنند. آدام اسمیت^{۳۵} به این نتیجه رسیده است که اصل نهفته در جمع آوری مالیات در درجه اول عدالت در مالیات گیری است. به سادگی می توان گفت اگر تلقی از عدالت، در این مورد عدالت مالیاتی باشد، با بهبود تطابق مالیاتی همراه خواهد بود (رز^{۳۶} و همکاران، ۲۰۱۴). ۳.

اعتماد به دولت

مالیات ها به عنوان قیمت پرداخت شده برای خدمات انجام شده توسط دولت قلمداد می شوند. اعتماد برای مالیات دهندگان که مالیات خود را داوطلبانه پرداخت می کنند، بسیار مهم است (فری و تورگلر^{۳۷}، ۲۰۰۶). هنگامی که عدم اعتماد به دولت افزایش می یابد، درآمدها و از این رو عملکرد دولت به واسطه مالیات کاهش می یابد (تورگلر، ۲۰۰۳). اگر اطمینان مالیات دهندگان بالا باشد، مالیات دهندگان بیشتر مایل به انجام تعهدات مالیاتی خود خواهند بود. هنگامی که دولت به گونه ای عمل کند که اعتماد مالیات دهندگان را تضمین کند، اعتماد مالیات دهندگان در دولت افزایش می یابد، و همزمان مالیات دهندگان خواستار انجام تعهدات مالیاتی خود می شوند. بنابراین، روابط بین دولت و مالیات دهندگان به شیوه ای مثبت حفظ خواهد شد (تورگلر و اشتایدر^{۳۸}، ۲۰۰۵). به طور کلی، مالیات دهندگان که به دولت اعتماد دارند، نگرش مثبت نسبت به بدهی های مالیاتی خود نشان می دهند. مالیات دهندگان با سطح پایین اعتماد به دولت، رویدادها را به

33 Andreoni

34 Reuben & Winden

35 Adam Smith

36 Ross

37 Frey and Torgler

38 Torgler and Schneider

شیوه ای منفی درک می کنند، اما مالیات دهندگان با سطوح بالاتر اعتماد، حوادث را مثبت تر در نظر می گیرند. مالیات دهندگانی که به دولت اعتماد ندارند، در مورد نحوه مصرف مالیات های گردآوری شده توسط دولت، شک و تردید بیشتری خواهند داشت. مالیات دهندگان از تصمیمات مربوط به مالیات دولت هنگامی که دولت را قابل اعتماد تصور می کنند حمایت خواهند کرد، اما هنگامی که به آن اعتماد ندارند از آن تصمیمات حمایت نخواهند کرد (رودلف^{۳۹}، ۲۰۰۹). همچنین، مالیات دهندگانی که به دولت اعتماد ندارند تصور می کنند که مالیات ها بیش از حد بالا هستند. در نتیجه، بی اعتمادی به دولت، مالیات دهندگان را به سمت فرار از پرداخت مالیات سوق می دهد (جیمز و ایر^{۴۰}، ۲۰۱۶). اعتماد به دولت را می توان امری متقابل و دوسویه دانست که باید توسط هر دو طرف یعنی خود دولت و مردم انجام شود و متقابلاً اعمال گردد. اعتماد دولت از سوی مردم در صورتی ایجاد می شود که مردم عملکرد دولت را برای رفاه مردم به طور منطقی ببینند و احساس کنند. اعتماد مردم از طریق ارتباط بین سازمان هایی که به مردم در جهت رفاه آنان، خدمات ارائه می کنند ایجاد می گردد. تورس^{۴۱} (۲۰۰۵) بیان می کند که دولت باید ابتکار عمل را به دست گیرد. دولت باید فعالیت هایی را برنامه ریزی کند که بتواند مردم را توانمند کند.

عوامل موثر بر اعتماد به دولت

اعتماد بین شهروندان و مقامات رسمی دولتی شان و نمایندگان انتخاب شده، مولفه های حیاتی یک جامعه ی به خوبی حکومت شده می باشد. عوامل، آن دلایل پیوسته هستند که به ساخت اعتماد در دولت کمک می کنند و به صورت زیر نمایش داده می شوند:

- **متغیرهای دموگرافیک-اجتماعی:** میزان یا تغییرات اعتماد به دولت به عوامل دموگرافیک از قبیل سن، جنسیت، و سطح درآمد وابسته است. در زمانی که به دلیل شکاف سنی، پیشینه ی مذهبی، درآمد اقتصادی، تفاوت نقشی جنسیتی و گوناگونی قومی فاصله ی اجتماعی وجود دارد ایجاد اعتماد چالش برانگیز است (گلیو^{۴۲} و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به سن، وقتی مردم پیرتر می شوند جمع گراتر شده و توسعه ی بهزیستی همگانی (کریستنسن و لاگرید، ۲۰۰۵) و اطرافیان شان را تجربه می کنند. چنین تجربیاتی به آن ها کمک می کند تا دریابند چرا، چه وقت و چگونه یک اتفاقی می تواند بیفتد و این تفکر پیش بینی کننده به آن ها کمک می کند تا مشکلات قبلی خود را در سروکار داشتن با موضوعات سیاسی و پرسنل مدیریتی حل کنند (جمل^{۴۳} و همکاران، ۲۰۱۵).
- **سرمایه اجتماعی:** سرمایه اجتماعی اشاره بر هنجارهای متقابل و ارتباطات میان شبکه های اجتماعی-افراد دارد. اعضا از طریق شبکه ها به همدیگر متعهد می شوند، از طریق تعامل ارزشمندی را به وجود می آورند و به اعضا سود می رسانند که آن ها را حامی نگه می دارند. پوتنام^{۴۴} (۲۰۰۰) افرادی را ذکر کرد که در فعالیت های مدنی مشارکت دارند، و همچنین می خواهند با دولت و گروه های مختلف هم مشارکت داشته باشند تا از موقعیتی که می توانند بر پروسه ی سیاسی اثر بگذارند محافظت کنند و تغییراتی را نیز ایجاد کنند، درحالی که مردمی که درگیر فعالیت های مدنی نمی شوند نسبت به اثر سیاسی احساس نا کارآمدی دارند، بی قدرتی آن را در نظر می گیرند که آتش بدگمانی را

39 Rudolph

40 Jimenez and Iyer

41 Torres

42 Gleave

43 Jamil

44 Putnam

شعله‌ور می‌کند، جهت‌گیری معکوس را برای سیاست‌مداران و دولت واقع می‌کند. مشارکت مدنی باعث می‌شود مردم اعتمادشان را از حلقه‌های آشنا و جوامع صمیمی به نمایندگان و ملی و محلی و دولت نیز بسط دهند، حتی زمانی که گاهی دولت عملکرد ضعیفی داشته باشد (ونسترا^{۴۵}، ۲۰۰۲).

- **انتخابات عادلانه و رقابتی:** مطالعه‌ی انجام شده توسط USAID به این موضوع می‌پردازد که بیش از نیمی از جمعیت دنیا تحت حاکمیت دولت‌های استبدادی قرار دارد که تأیید می‌کند بزرگترین حقوق مدنی دنیا بدون اجازه به دست آمده‌اند. انتخابات با مشارکت و رقابت سیاست‌مداران عرصه‌ای برای توسعه‌ی فعالیت‌های دموکراتیک فراهم می‌کنند که آزادی سیاسی را تضمین کرده و فساد سوءاستفاده از قدرت را اصلاح می‌کند (دیموند^{۴۶}، ۲۰۰۷). اگر انتخابات به طور منصفانه و با عدالت انجام نگیرد تنظیم سمینارها، بحث‌های میزگرد، گفتگوهای عمومی، نزاع سیاسی، بررسی رای‌های عمومی با پشتیبانی نمایندگی مسئول انتخابات، در تلاشی بیهوده هستند و در دالالتشان از وظایف، مبهم هستند. زمانی که محیطی مطلوب برای انتخاب رهبران دولت توسط رای دادن و در صورت نیاز جایگزینی آن‌ها از طریق انتخابات منظم، آزاد، منصفانه و رقابتی، وجود دارد اعتماد مثرثمر و اعتماد نسبت به دولت افزایش می‌یابد (دیموند، ۲۰۰۷).

- **عملکرد سیاستمداران:** اعتماد یک قرارداد ضمنی بین شهروندان و سیاستمداران است. عمدتاً به این دلیل که از طریق رای دادن، آن‌ها از جانب خودشان به قدرت تصمیم‌گیری سیاستمداران قدرت می‌دهند و انتظار دارند سیاستمداران در تشکیل و پیاده‌سازی سیاست‌های مطلوب جامعه سهیم باشند، کشور را به سمت پایداری اقتصادی سوق داده و رهبری کنند و برای ارتقای اجماع عمومی در موضوعات مهم جامعه و همچنین حفظ یکپارچگی اجتماعی برای کاهش تعارض میان گروه‌های ذینفع کار کنند. پروسه‌ی ساخت اعتماد می‌تواند دوجانبه باشد که در آن شهروندان به متصدیان سیاسی برای امانتداری‌شان و ظرفیت‌شان اعتماد می‌کنند و از طرف دیگر، متصدیان سیاسی عملکرد را به نمایش خواهند گذاشت و قادر به به دست آوردن دل مردم خواهند بود (کله^{۴۷}، ۲۰۰۷) و اگر بین تعهد ایجادشده توسط متولیان و دستاوردهای واقعی‌شان، ثبات وجود داشته باشد، این پروسه مثرثمر خواهد شد.

- **دولت دموکراتیک:** موضوع اصلی دولت دموکراتیک بیان می‌کند که چگونه جامعه در دنبال کردن فرصت و حقوق برابر ابراز می‌کند، که به معنای عدالت اجتماعی و اقتصادی برای تمام شهروندان است. حوزه‌های اصلی در دولت دموکراتیک شامل آزادی سیاسی و حقوق بشر، مشروعیت مربوط به پروسه‌ی سیاسی و نهادها، مشارکت معتبر مردم، شفافیت و استراتژی‌های ضد فساد، آزادی مطبوعات و نقش فعال جامعه مدنی می‌شوند (چیما و مگوایر^{۴۸}، ۲۰۰۲). طی دوره انتخابات، انتخابات انجام‌شده‌ی مستبدانه، نمی‌تواند بازتابنده‌ی حالت دموکراتیک باشد زیرا آن رهبرانی که به صورت دموکراتیک انتخاب شده‌اند با فرمان‌های مقدر شده حکمرانی می‌کنند، و محدودیت‌هایی را برای سخنرانی و گردهمایی وضع می‌کنند، سوءاستفاده شدن از حقوق بشر را تحمل می‌کنند و وسوسه می‌شوند به جای اعمال موقتی قدرت، آن را به طور دائم اعمال کنند (دیموند، ۲۰۰۷).

45 Veenstra

46 Diamond

47 Keele

48 Cheema & Maguire

- **نهادهای ناظر عاری از سیاست زدگی:** در ایالت به دولت سپرده می شود تا وظایف توسعه ای و رفاهی را انجام دهد و مالیات ها را با این هدف جمع آوری کند. وظیفه ایالت، مطلع کردن شهروندان در مورد کم خرجی مشارکت هایشان و پاسخگویی در قبال آنها است. گرچه ارگان های دولت به عنوان نگهبانان یکدیگر عمل می کنند تا از قدرت سوءاستفاده نکنند، نهادهای دیگری نیز وجود دارند که سوءعملکردها و تخلفاتی که اعضای مجلس، مدیران اجرایی، مقامات اداری، مقامات قانونی عمومی و غیره مرتکب می شوند را مشاهده و بررسی دقیق می کنند. نهادهای ناظر نظیر کمیسیون مبارزه با فساد، اداره بازرسی و حسابرسی کل، بازرس، کمیته های پارلمانی، کمیسیون ملی حقوق بشر و غیره می توانند نقش کارآمدی در حفظ فعالیت های دولت در مسیر درست ایفا نمایند. اما در برخی کشورها، اغلب از اصول اصلی خود منحرف می شوند و وارد خط سیاسی می شوند که تلاش های آنها در کار را بدون سوءگیری بی اثر می کند. بعلاوه، اعضای جامعه مدنی، انجمن های مردمی، سازمان های خصوصی نیز دچار دوگانگی می شوند که آیا از رژیم حمایت کنند و موجودیت خود را حفظ کنند یا حقیقت را بگویند. در داخل یک دموکراسی تمام عیار، نهادهای ناظر مستعد سیاست زدگی و مداخلات سیاستمداران نیستند و دولت را در قبال شهروندان پاسخگو نگاه می دارند.

- **دولت الکترونیک و جریان اطلاعات:** در دنیای امروز، شهروندان حق و حقوق خودشان را می گیرند و اطلاعات خود در مورد کارکردها و تصمیمات دولت را به روز نگاه می دارند. استفاده گسترده از ابزارهای دولت الکترونیک بر محدودیت های پخش و اشاعه غلبه کرده است و دولت اکنون می تواند فوراً اطلاعاتی ارائه دهد. ابتکاراتی نظیر تراکنش های شفاف و قابل رویت برای خدمات عمومی از طریق وب سایت ها به عنوان نقطه تحویل و ارائه خدمت، مشارکت شهروندان در تهیه بودجه از طریق نظرخواهی، اطلاع رسانی در مورد تخصیص باضافه صرف بودجه همراه با تبلیغات و مناقصه^{۴۹} رقابتی برای تدارک از طریق فرآیند مناقصه الکترونیکی و غیره هستند. زمان و پول مردم را مختصر کنید و در عین حال دولت را کارآمد کنید. خادمان عموم مردم نیز باید اطلاعات مورد درخواست شهروندان را ارائه دهند؛ آنها اطلاعاتی هستند که مربوط به امنیت ملی نیست و محرمانگی کارکردهای اداری را نقض نمی کنند. نقش بیش فعال دولت برای اطلاع رسانی و آموزش شهروندان در مورد حق و حقوق شان و استحقاق آنها می تواند برای عموم مردم جهت دسترسی آسان به خدمات و برنامه های عمومی مفید و سودمند باشد (کاسیس^{۵۰} و همکاران، ۲۰۰۷).

- **سیاست اقتصادی و اجتماعی کارآمد:** در یک جامعه جهانی به هم متصل، دولت مجبور است نقش اساسی در دستیابی به اقتصاد پایدار ایفا کند، استفاده کارآمد از منابع انسانی داشته باشد، با گرسنگی و فقر جامعه مبارزه کند، استاندارد زندگی را نیز افزایش دهد (کاسیس و همکاران، ۲۰۰۷). یک دولت پیچیده با فرموله کردن برنامه های چشم انداز، برنامه های پنج تا بیست ساله، تدوین ماموریت و چشم اندازها و ارتقای صنایع متکی بر منابع^{۵۱} برای یک حالت تعادل ایالت کار می کند. پیشرفت اجتماعی تا زمانی که برنامه های مسئولیت اجتماعی با هدف گیری بخش های فقیر و آسیب پذیر جامعه شروع نشوند، عملی نخواهند بود. وقتی دولت با سطوح مختلف ذینفعان مانند سازمان های بین المللی و خیرین، اقشار پایین تر اداره عمومی، بخش خصوصی، سازمان های جامعه مدنی، انجمن های

49 Bidding

50 Cassese

51 backward linkage industries

مردمی در این فرآیند رشد اقتصادی مشارکت یا همکاری می‌کند، چنین حرکتی احتمالاً با یک رفتار پرورش دهنده صورت می‌گیرد (کاسیس و همکاران، ۲۰۰۷).

آزادی در بازرسی عملکرد دولت: دموکراسی به مردم حق می‌دهد در مورد هر گونه اعمال و ابتکار عمل‌های شرارت آمیز دولت که به منافع عمومی صدمه می‌زند، ابراز نگرانی کنند. همانطور که شرکت‌های دنیا قدم به داخل درهای جهانی شدن گذاشته‌اند، کارکردهای ایالت نیز گسترش یافته‌اند و شانس انتظارات عمومی از دولت افزایش یافته است. اگر دولتی به شهروندان، گروه‌های ذینفع، جامعه مدنی، رسانه‌ها اجازه نظارت بر فعالیت‌های آن، دعوت و پذیرش انتقاد برای تعدیل برنامه‌های عمومی یا مسائل مربوط به توده مردم را بدهد، میزان پذیرش دولت برای شهروندان افزایش خواهد یافت. تمایز فرهنگ سیاسی از سوی آلموند و وبر^{۵۲} (۱۹۶۳) نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی مشارکت‌کننده و فاعل به مردم امکان مشارکت به صورت فعال و منفعلانه در فرآیند سیاسی براساس آن را می‌دهد. اما چنین حقی در فرهنگ ناحیه‌ای تصاحب می‌شود که در نهایت شهروندان از بررسی عملکرد دولت دور می‌کند.

تعامل و ارتباطات: ارتباطات از طریق روابط اجتماعی و تماس‌های مکرر رخ می‌دهد که به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده اعتماد عمل می‌کند. تعامل میان مقامات دولتی و شهروندان از طریق تماس‌ها در زمان جستجوی اطلاعات و دریافت خدمات رخ می‌دهد. مسیر هموار ارتباطات بین دو طرف هم از طریق ظاهر فیزیکی و هم رسانه الکترونیکی، فرآیند دریافت خدمات را راحت می‌کند. بعلاوه، وقتی فرآیند تعامل شامل دعوت از شهروندان نه به عنوان تماشاگران یا گیرندگان منفعل بلکه به عنوان مشارکت‌کنندگان کامل برای به اشتراک گذاری نظرات و دیدگاه‌ها در مورد مسائل تشکیل دهنده، برای مشارکت در برنامه توسعه حوزه خود می‌شود، هر دو طرف از یکدیگر بهره‌مند می‌گردند و چنین رابطه‌ای به افزایش ایمان به متصدیان، مقامات دولتی و دولت به طور مداوم کمک می‌کند (تانی و آل-حسینی، ۲۰۱۹).

اعتماد به شهروندان و بی‌میلی به مشارکت: گرچه بسیاری از ادبیات در مورد اعتماد شهروندان به اداره‌کنندگان صحبت کرده‌اند اما تعداد کمی از آنها در مورد اینکه آیا اداره‌کنندگان به شهروندان اعتماد دارند یا خیر بحث می‌کنند. همانطور که اعتماد یک مسئله دوطرفه، متقابل و دوجانبه است (یانگ^{۵۳}، ۲۰۰۵) تمایل به اعتماد به دولت با تطابق و همکاری شهروندان مطیع همراه است. براساس تحقیق متیو^{۵۴} (به نقل از یانگ، ۲۰۰۵) شهروندان به دلیل داشتن مسائل اضطرابی، تمایلی به مشارکت در فرآیند اداری ندارند چون تعارض در نظام سیاسی، پیچیدگی سیاستگذاری، بار کاری، منابع محدود، نابرابری در جامعه آنها را از مشارکت در این فرآیند باز می‌دارد.

تمرکززدایی: ارتقای اعتماد به دولت را می‌توان با نزدیک کردن جوامع به دولت‌ها و دولت‌هایشان به آنها تقویت کرد. در این رابطه، ابزار بی‌عیب و نقص مورد استفاده، حاکمیت محلی از طریق تمرکززدایی است که شامل انتقال قدرت سیاسی، اداری و مالی از دولت مرکزی به دولت‌ها و مقامات محلی می‌شود. ایجاد عرصه‌های سیاسی در نزدیکی شهروندان نه تنها مشارکت سیاسی مستقیم را افزایش می‌دهد بلکه دامنه دموکراسی مردمی را نیز افزایش

52 Almond and Verba

53 Yang

54 Matthews

می‌دهد. OECD (۲۰۱۳) در گزارش خود با عنوان "دولت در یک نگاه-۲۰۱۳" گفت که به رغم کاهش اعتماد به دولت ملی، شهروندان از خدمات عمومی که به صورت محلی برای زندگی روزمره شان به آنها داده می‌شود، رضایت دارند.

نظام مالیاتی هوشمند

نظام مالیاتی هوشمند با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، به بهبود مدیریت مالیاتی و افزایش پایبندی مؤدیان کمک می‌کند. این نظام با استفاده از کلان‌داده‌ها، فناوری زنجیره بلوکی (بلاک‌چین) و هوش مصنوعی، فرآیندها را خودکارسازی کرده، دقت را بالا می‌برد و از بروز تقلب جلوگیری می‌نماید. حرکت به سوی مالیات‌ستانی هوشمند، ناشی از نیاز به افزایش کارایی در جمع‌آوری مالیات و توانایی سازگاری با محیط‌های اقتصادی در حال تغییر است. برای نمونه، بهره‌برداری از تحلیل داده‌های لحظه‌ای، به نهادهای مالیاتی اجازه می‌دهد تا تراکنش‌ها و رعایت قوانین را مؤثرتر رصد کرده و از فرار مالیاتی کاسته و درآمدهای مالیاتی را افزایش دهند (ویشنفسکی و چکینا^{۵۵}، ۲۰۱۸). افزون بر این، نظام‌های مالیاتی هوشمند با ارائه پلتفرم‌های کاربرپسند برای اظهارنامه و پرداخت، تجربه مؤدیان را ساده‌سازی می‌کنند. این پلتفرم‌ها شامل اپلیکیشن‌های تلفن همراه و درگاه‌های آنلاین هستند که دسترسی آسان‌تر به خدمات مالیاتی را فراهم می‌آورند. چنین نوآوری‌هایی نه تنها عملیات مالیاتی را بهینه می‌سازند، بلکه شفافیت و اعتماد میان مؤدیان و نهادهای مالیاتی را نیز تقویت می‌نمایند (نگوین^{۵۶}، ۲۰۲۴). مفهوم مالیات‌ستانی هوشمند همچنین با اهداف جهانی توسعه پایدار هم‌راستا است، زیرا تلاش می‌کند نظام‌های مالیاتی عادلانه‌ای ایجاد کند که از رشد اقتصادی حمایت کرده و نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد. با بهره‌گیری از فناوری، دولت‌ها می‌توانند از اجرای عادلانه و مؤثر سیاست‌های مالیاتی اطمینان حاصل کرده و در مسیر توسعه شهرهای هوشمند گام بردارند (سوزا و سیکیرا^{۵۷}، ۲۰۲۴).

مروری بر مطالعات داخلی و خارجی

مطالعات داخلی صورت گرفته در ایران به طور عمده بر نقش عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت و فرهنگ مالیاتی در تمکین مؤدیان تمرکز داشته‌اند. بهروان و همکاران (۱۳۹۵) با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی گیدنز، نقش اعتماد به مسئولان و عدالت نظام مالیاتی را در تمکین بررسی کردند. ابراهیمیان جلودار و همکاران (۱۳۹۷) نیز با رویکردی ساختاری، به تحلیل تاثیر عدالت توزیعی، فرهنگ مالیاتی و نگرش مؤدیان پرداختند. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که اعتماد، عدالت و نگرش مؤدیان از عوامل کلیدی در افزایش تمکین مالیاتی هستند. صالحی و همکاران (۱۳۹۷) به تاثیر عدالت ادراک شده و اعتماد بر رفتار مالیاتی پرداختند و نشان دادند که عدالت کیفی، رویه‌ای و توزیعی به ترتیب بیشترین تاثیر را بر تمکین دارند. فرهادی محلی و دولت‌نیا (۱۳۹۸) با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز ارتباط معنادار میان اعتماد به دولت، عدالت مالیاتی و تمکین را اثبات کردند. در ادامه، برادران حسن‌زاده و موسوی (۱۳۹۹) با استفاده از روش داده بنیاد، الگویی مفهومی برای افزایش عدالت مالیاتی طراحی کردند. نجدی و قطبی (۱۴۰۰) نقش دولت الکترونیک را با محوریت اعتماد مؤدیان بررسی کرده و به تاثیر مثبت آن در توسعه نظام مالیاتی دست یافتند. همچنین، عالی‌پور و زنگنه (۱۴۰۱) بر اساس دیدگاه نگرشی، متغیرهایی چون عدالت، دانش مالیاتی و تعهدات اخلاقی را در فرار مالیاتی تحلیل کردند. مطالعات جدیدتر همچون پژوهش حاج محمود عطار و آرای (۱۴۰۱) و کاظمی نجف‌آبادی (۱۴۰۲) نیز به بررسی نقش میانجی

عدالت ادراک شده در ارتباط بین اعتماد به دولت و تمکین مالیاتی پرداختند و این متغیر را عاملی مهم در تسهیل انطباق داوطلبانه معرفی کردند.

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌ها بر مشابهت‌های مفهومی همچون عدالت مالیاتی، اعتماد به نهادهای حکومتی، و عوامل روانشناختی تمرکز داشته‌اند. کاسل^{۵۸} و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی اثر مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری مالیاتی نشان دادند که کاهش فاصله اجتماعی و افزایش صدای مودیان، تمکین مالیاتی را بهبود می‌بخشد. گوبنا و ون دیکه (۲۰۱۶) در اتیوپی نیز از طریق چارچوب عدالت رویه‌ای و قدرت مشروع، بر اهمیت ترکیب عوامل اجتماعی و بازدارنده تأکید کردند. هافمن^{۵۹} و همکاران (۲۰۱۷) از طریق یک متاآنالیز جهانی، به تأثیرات اندک ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر تمکین پرداختند، در حالی که گوزل و همکاران (۲۰۱۹) در ترکیه نشان دادند که اعتماد به دولت و عدالت مالیاتی، هر دو اثر مثبت معناداری بر رفتار تمکینی دارند. پژوهش‌های ویدوری و اراون (۲۰۱۹) و تانی و الحسینی (۲۰۱۹) نیز بر نقش سیاست‌های عمومی، حاکمیت خوب، و مشارکت مدنی در ارتقای اعتماد عمومی تأکید داشتند. در پژوهش حسن^{۶۰} و همکاران (۲۰۲۱) در پاکستان، عوامل ساختاری همچون سادگی فرآیند مالیاتی و درک هزینه‌های دولت، به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر رفتار داوطلبانه معرفی شدند. همچنین، مطالعاتی نظیر اولادیو^{۶۱} و همکاران (۲۰۲۲) در نیجریه و توهومنا^{۶۲} و همکاران (۲۰۲۳) در اندونزی، نقش میانجی عدالت مالیاتی در تقویت رابطه بین اعتماد به دولت و تمکین را تأیید کردند.

نقش فناوری و داده‌محوری در شکل‌گیری نظام مالیاتی هوشمند

فناوری و رویکردهای مبتنی بر داده نقش حیاتی در شکل‌گیری نظام‌های مالیاتی هوشمند ایفا می‌کنند. یکپارچه‌سازی فناوری بلاک‌چین، امکان انجام تراکنش‌های ایمن و شفاف را فراهم ساخته و رهگیری آنی تعهدات مالیاتی و پرداخت‌ها را ممکن می‌سازد. این امر نه تنها پایداری مؤدیان را افزایش می‌دهد، بلکه بار اداری بر دوش نهادهای مالیاتی را نیز کاهش می‌دهد (لوویریس^{۶۳} و همکاران، ۲۰۲۴). علاوه بر آن، بهره‌گیری از تحلیل کلان‌داده‌ها به نهادهای مالیاتی اجازه می‌دهد تا حجم وسیعی از داده‌ها را تحلیل کرده و الگوها و ناهنجاری‌ها در رفتار مؤدیان را شناسایی کنند. این توانمندی، انجام حسابرسی‌های هدفمند و مداخلات مؤثر را ممکن ساخته و به افزایش نرخ پایداری و کاهش فرار مالیاتی می‌انجامد (وانگ^{۶۴}، ۲۰۲۳). همچنین، استفاده از هوش مصنوعی در تدوین سیاست‌های مالیاتی، به شبیه‌سازی سناریوهای مختلف اقتصادی کمک کرده و سیاست‌گذاران را در طراحی راهبردهای مؤثر مالیاتی یاری می‌دهد. مدل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند رفتار مؤدیان را پیش‌بینی کرده و اثرات اصلاحات مالیاتی را ارزیابی نمایند، تا سیاست‌ها از منظر عدالت و کارآمدی، بهینه باشند (ازئیفه^{۶۵} و همکاران، ۲۰۲۵).

58 Casal

59 Hofmann

60 Hassan

61 Olufemi Oladipo

62 Tuhumena

63 Louvieris

64 Wang

65 Ezeife

رابطه بین عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت و تطابق مالیاتی

رابطه‌ی میان عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت و پایبندی مالیاتی، رابطه‌ای پیچیده و درهم‌تنیده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که درک بالاتر از عدالت مالیاتی موجب افزایش اعتماد مؤدیان به دولت شده و این امر به نوبه‌ی خود تأثیر مثبتی بر نرخ پایبندی دارد. زمانی که مؤدیان احساس کنند که نظام مالیاتی منصفانه است و مالیات‌های پرداختی‌شان به‌درستی مصرف می‌شود، احتمال بیشتری دارد که به تعهدات مالیاتی خود عمل کنند (سوپریاتی^{۶۶} و همکاران، ۲۰۲۴). افزون بر آن، اعتماد به دولت به‌عنوان یک متغیر میانجی در معادله‌ی پایبندی مالیاتی عمل می‌کند. مطالعات نشان می‌دهند زمانی که شهروندان به صداقت و شفافیت دولت اطمینان دارند، تمایل بیشتری به انجام وظایف مالیاتی‌شان دارند. در مقابل، نبود اعتماد می‌تواند منجر به افزایش فرار مالیاتی و نافرمانی شود، چرا که افراد ممکن است نظام را ناعادلانه یا فاسد تلقی کنند (اُگبومه^{۶۷} و همکاران، ۲۰۲۵). در نهایت، تقویت فرهنگ مالیاتی—یعنی انگیزه‌ی درونی برای پرداخت مالیات—می‌تواند به‌طور چشمگیری پایبندی را افزایش دهد. دولت‌ها می‌توانند با تضمین عدالت در سیاست‌های مالیاتی، ارتقاء خدمات عمومی، و مشارکت دادن شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری، این فرهنگ را تقویت کرده و قرارداد اجتماعی میان دولت و مردم را تحکیم بخشند (ایکیدي^{۶۸} و همکاران، ۲۰۲۴).

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، تطابق مالیاتی و ایجاد یک نظام مالیاتی هوشمند به عنوان یک اولویت اساسی برای کشورهای مختلف در جهت بهبود کارایی اقتصادی و اجتماعی مطرح شده است. این نظام‌ها بر پایه شفافیت، فناوری‌های نوین و اعتماد عمومی به دولت شکل می‌گیرند. در این میان، نقش ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد و ارتقای این نظام‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تطابق مالیاتی زمانی بهبود می‌یابد که افراد احساس کنند که مالیات به‌طور عادلانه و برابر از آن‌ها اخذ می‌شود و منابع مالیاتی برای تأمین خدمات عمومی به‌طور شفاف و مؤثر استفاده می‌شود. در این راستا، فناوری‌های نوین مانند تحلیل داده‌های بزرگ، بلاک‌چین و هوش مصنوعی می‌توانند نقش بسزایی در تسهیل فرآیندهای مالیاتی، کاهش فساد و افزایش دقت و شفافیت در سیستم مالیاتی ایفا کنند. این ابزارها نه تنها به تسهیل جمع‌آوری مالیات کمک می‌کنند بلکه می‌توانند نظارت بر اجرای قوانین مالیاتی را به‌صورت برخط و لحظه‌ای امکان‌پذیر سازند، که این امر موجب افزایش اعتماد عمومی به دولت و نظام مالیاتی خواهد شد.

ایجاد یک نظام مالیاتی هوشمند و اثربخش نیازمند ترکیبی از تکنولوژی‌های نوین و تقویت اعتماد عمومی به دولت است. برای رسیدن به این هدف، دولت‌ها باید به‌طور مستمر بر روی اصلاحات قانونی، شفافیت در اجرای سیاست‌های مالیاتی، و ارتقای آگاهی عمومی در مورد مزایای این سیستم‌ها تمرکز کنند. از این رو، توصیه می‌شود که به‌منظور ایجاد یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه، دولت‌ها به بهبود روابط خود با مردم از طریق تقویت اعتماد و شفافیت پرداخته و همزمان از فناوری‌های پیشرفته برای تسهیل و نظارت بر فرآیندهای مالیاتی بهره‌برداری کنند. این رویکرد نه تنها موجب بهبود تطابق مالیاتی خواهد شد، بلکه زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار نیز می‌گردد.

66 Supriyati

67 Ogbomah

68 Ikidi

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمیان جلودار، سید یاسر. احمدی، مسعود. ایمان خان، نیلوفر (۱۳۹۷). تاثیر عدالت و فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی با در نظر گرفتن نقش نگرش مودیان- در نظام اداری ایران. *فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران*. ۳ (۴۹). صص ۷۹-۵۹.
۲. بهروان، حسین. نوغانی، محسن. اوجاقلو، کمال (۱۳۹۵). کنش مالیاتی و عوامل جامعه شناختی موثر بر آن (مطالعه موردی مودیان مشمول مالیات بر ارزش افزوده شهر زنجان). *پژوهشنامه مالیات (نشریه علمی)*. ۲۴ (۳۰).
۳. برادران حسن زاده، رسول. موسوی، سیدابراهیم (۱۳۹۹). الگوی عوامل موثر بر افزایش عدالت مالیاتی در ایران. *ششمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران*. تهران.
۴. حاج محمود عطار، فرناز. آرای، وحید (۱۴۰۱). تاثیر اعتماد به دولت بر تمکین داوطلبانه مودیان مالیاتی با نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*. ۱۴ (۵۶).
۵. صالحی، علی اصغر. قاسمی، مهدی. گرد، عزیز. اهنود، خاطره (۱۳۹۷). ادراک در مورد رفتار عدالت، اعتماد و رفتار مالیاتی (مورد مطالعه: اداره کل امور مالیاتی غرب تهران). *پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری*. دوره جدید. ۱۰. صص ۶۲-۳۹.
۶. عالی پور، نعمت اله. زنگنه، مهسا (۱۴۰۱). بررسی نظری عوامل موثر بر فرار مالیاتی از منظر عدالت مالیاتی، دانش مالیاتی، تعهدات اخلاقی، هنجارهای ذهنی و نگرش مودیان به رفتار. *فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی*. ۶ (۴).
۷. فرهادی محلی، علی. دولت نیا، فرشید (۱۳۹۸). تاثیر اعتماد به دولت و ادراک عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی (مورد مطالعه: سازمان امور مالیاتی استان گلستان). *پنجمین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار*. تهران.
۸. کاظمی نجف آبادی، مظاهر (۱۴۰۲). بررسی تاثیر عدالت مالیاتی ادراک شده و فشارهای نهادی بر پذیرش مالیاتی در بنگاه های کسب و کار کوچک و متوسط. *فصلنامه پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری*. ۶ (۲۱).
۹. نجدی، زهرا. قطبی، سیده فوزیه (۱۴۰۰). نقش دولت الکترونیک بر توسعه نظام مالیاتی با توجه به نقش میانجی اعتماد مودیان مالیاتی در شهر شیراز. *چهارمین کنفرانس بین المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*. تهران.
10. Alm, J., (1991). A perspective on the experimental analysis of taxpayer reporting. *Account. Rev.* 66. 577-593.
11. Alm, J., Kirchler, E., Muehlbacher, S., (2012). Combining psychology and economics in the analysis of compliance: from enforcement to cooperation. *Econ. Anal. Policy* 42 (2). 133-151.
12. Andreoni, J., Erard, B., Feinstein, J., (1998). Tax compliance. *J. Econ. Lit.* 36 (2). 818-860.
13. Alipour, N., & Zangeneh, M. (2022). A theoretical study on the factors affecting tax evasion from the perspective of tax justice, tax knowledge, ethical commitments, subjective norms, and taxpayers' attitudes. *Journal of Accounting and Economic Sciences Research*, 6(4). [In Persian].
14. Behrovan, H., Noghani, M., & Ojaghlo, K. (2016). Taxation behavior and sociological factors affecting it: A case study of VAT taxpayers in Zanjan. *Taxation Research Journal (Scientific Journal)*, 24(30). [In Persian].
15. Bradaran Hassan Zadeh, R., & Mousavi, S. E. (2020). Model of factors affecting the enhancement of tax justice in Iran. *6th National Conference on New Research in Humanities, Economics and Accounting*, Tehran. [In Persian].
16. Ezeife, E., Kokogho, E., Odio, P. E., & Adeyanju, M. O. (2025). Agile tax technology development in the U.S.: A conceptual framework for scalable and efficient enterprise solutions. *Gulf Journal of Advance Business Research*, 3(2).
17. Ebrahimiyan Jalodar, S. Y., Ahmadi, M., & Iman Khan, N. (2018). The impact of justice and tax culture on tax compliance considering the role of taxpayers' attitudes – In the administrative system of Iran. *Journal of Iranian Management Science Association*, 3(49), 59-79. [In Persian].

18. Frey, B.S., Torgler, B., (2006). Tax Morale and Conditional Cooperation. Institute For Empirical Research in Economics, *University of Zürich Working Paper* no. 286.
19. Farhadi Mahalli, A., & Dowlatnia, F. (2019). The effect of trust in government and perceived tax justice on tax compliance (Case study: Tax Affairs Organization of Golestan Province). *5th International Conference on Accounting, Management, and Business Innovation*, Tehran. [In Persian].
20. Gangl, K., Muehlbacher, S., Hofmann, E., Kogler, C., (2013). "How can I help you?" Perceived service orientation of Tax authorities and Tax compliance. *Public Financ. Anal.* 69 (4). 487–510.
21. Gilligan, G., Richardson, G., (2005). Perceptions of tax fairness and tax compliance in Australia and Hong Kong: a preliminary study. *J. Financ. Crime* 12 (4). 331–343.
22. Gobena, L.B., Van Dijke, M., (2016). Power, justice, and trust: a moderated mediation analysis of tax compliance among Ethiopian business owners. *J. Econ. Psychol.* 52. 24–37.
23. Güzela S A, G Özerb, Mt Özcan (2019). The effect of the variables of tax justice perception and trust in government on tax compliance: The case of Turkey. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*.78. 80-86.
24. Haj Mahmoud Attar, F., & Arai, V. (2022). The effect of trust in government on voluntary tax compliance with the mediating role of perceived tax justice. *Financial Accounting and Auditing Research*, 14(56). [In Persian].
25. Ikidi, P. G., Akhimie, E. O., & Ozuah, O. L. (2024). *Tax morale, governance quality and tax compliance*. IOSR Journal of Economics and Finance (IOSR-JEF), 15(5, Ser. 4), 25–35. <https://www.iosrjournals.org>
26. Louvieris, P., Ioannou, G., & White, G. (2024). *Making tax smart: Feasibility of distributed ledger technology for building tax compliance functionality to central bank digital currency*. arXiv. <https://arxiv.org/abs/2406.13957>
27. James, S., Alley, C., (2002). Tax compliance, self assessment and tax administration. *J. Financ. Manag. Public Serv.* 2. 27–42.
28. Jimenez, P., Iyer, G.S., (2016). Tax compliance in a social setting: the influence of social norms, trust in government, and perceived fairness on taxpayer compliance. *Adv. Account.* 34. 17–26.
29. Kazemi Najaf Abadi, M. (2023). Investigating the effect of perceived tax justice and institutional pressures on tax acceptance in small and medium-sized enterprises. *New Research in Management and Accounting*, 6(2), 1. [In Persian].
30. Mustapha, B., (2010). The Impact of Tax Fairness and Demographic Factors on Tax Compliance in Nigeria. Ph.D. thesis. University Utara Malaysia, Malaysia.
31. Nguyen, D. T. T. (2024). Improving Individual Business Tax Collection In Ho Chi Minh City Via Technological Solutions. *Journal of Lifestyle and SDGs Review*, 4(4), e03542. <https://doi.org/10.47172/2965-730X.SDGsReview.v4.n04.pe03542>
32. Najdi, Z., & Ghotbi, S. F. (2021). The role of electronic government in the development of the tax system with the mediating role of taxpayers' trust in Shiraz. *4th Annual International Conference on New Developments in Management, Economics, and Accounting*, Tehran. [In Persian].
33. Ogbomah, T. O., Megheze, O., Appah, E., & Mathias, E. (2025). *Rule of law and tax evasion in Nigeria: Moderating role of public trust in government*. *Global Journal of Arts, Humanities and Social Sciences*.
34. Reuben, E., Winden, F.V., (2010). Fairness perceptions and prosocial emotions in the power to take. *J. Econ. Psychol.* 31. 908–922.
35. Ross, S. A., Westerfield, R. W., Jaffe, J. F., & Roberts, G. S. (2014). *Corporate Finance*, Seventh Ed. McGraw-Hill Ryerson Limited.

36. Rudolph, T.J., (2009). Political trust, ideology and public support for tax cuts. *Public Opin. Q.* 73 (1). 144–158.
37. Supriyati, I., Hapsari, I., & Nahumury, J. (2024). The influence of trust in the government, perceived fairness, and tax morale on taxpayer compliance: Implications for budget formation. *Public and Municipal Finance*, 13(2), 129–139
38. Souza, K. L. C. M. de, & Siqueira, M. de. (2024). Smart Tax: como a Tributação das Cidades Inteligentes pode alcançar os Objetivos do Desenvolvimento Sustentável?. *Revista Direito Tributário Atual*, (56), 419–441. <https://doi.org/10.46801/2595-6280.56.19.2024.2526>
39. Salehi, A. A., Qasemi, M., Gard, A., & Ahnood, K. (2018). Perception of justice behavior, trust, and tax behavior (Case study: Western Tehran Tax Affairs Office). *New Research in Management and Accounting, New Series*, 10, 39-62. [In Persian].
40. Torres L., (2005). Service charters: Reshaping trust in government—the case of Spain. *Public Adm. Rev.* 65(6). 687–699.
41. Tanny, T F., Al-Hossienie C. A. (2019). Trust in Government: Factors Affecting Public Trust and Distrust. *Jahangirnagar Journal of Administrative Studies, Department of Public Administration*. 12. 49-63.
42. Torgler, B., (2003a). Tax morale in transition countries. *Post-Communist Econ.* 15 (3). 57–381.
43. Torgler, B., (2003b). Tax morale, rule-governed behaviour and trust. *Const. Political Econ.* 14. 119–140.
44. Torgler, B., Schneider, F., (2005). Attitudes towards paying taxes in Austria: an empirical analysis. *Empirica*. 32. 231–250.
45. Tuhumena R, Falah S, Salle H T. (2023). The Effect of Trust in Government and Perceptions of Tax Justice on Tax Compliance with Job Type as Moderation (Empirical Study on Individual Taxpayers Registered at Jayapura Primary Tax Service Office). *Journal of International Conference Proceedings* 6(5).
46. Van Dijke, M., Verboon, P., (2010). Trust in authorities as a boundary condition to procedural fairness effects on tax compliance. *J. Econ. Psychol.* 31 (1). 80–91.
47. Vishnevsky, V., & Chekina, V. (2018). Robot vs. tax inspector or how the fourth industrial revolution will change the tax system: A review of problems and solutions. *Journal of Tax Reform*, 4(1), 6–26.
48. Wang, Y. (2024). Application of big data technology platform based on deep learning in smart tax evaluation system. *Soft Computing*, 28, 13917–13927. <https://doi.org/10.1007/s00500-023-08457-6>
49. Widuri R, Irawan W S (2019). Tax Justice Perception and Trust in Government on Tax Compliance. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 103. 126-131.
50. Yang, K., (2005). Public administrators' trust in citizens: A missing link in citizen involvement efforts. *Public Adm. Rev.* 65(3). 273–285.

Tax Compliance and the Role of Perceived Tax Justice and Trust in Government in Creating an Efficient and Smart Tax System

Habibolah nakhaei¹

Ehsan mirzayian nokhandan^{*2}

Ehsan sadeghi³

Abstract

This study investigates tax compliance and its relationship with perceived tax justice and trust in government in the development of a smart and effective tax system. Tax compliance, as a key factor in the performance of the tax system, is influenced by two essential components: perceived tax justice and trust in government. Smart tax systems can increase tax compliance by utilizing modern technologies, thus enhancing tax fairness and strengthening public trust in the government. This paper examines various models of tax compliance and their connection to social and economic justice. It also discusses the positive and negative effects of trust in government on the implementation of these systems and the challenges faced in achieving these goals. The aim of this paper is to provide a framework for policymakers and tax system designers to develop and implement smart, justice-oriented tax systems.

Keywords

Tax Compliance, Tax Justice, Trust in Government, Smart Tax System

1. Department of accounting, Birjand Branch, Islamic Azad University Birjand Iran. (h.nakhaei48@yahoo.com).

2. Department of accounting, Qaenat Branch, Islamic Azad University Qaenat Iran. (*Corresponding Author: emirzaneyan1985@gmail.com).

3. Department of accounting, Qaenat Branch, Islamic Azad University Qaenat Iran. (sehsan73@yahoo.com).